

دوتا ۱۷۹	عهد عتیق ۱۰
	اعداد - قسمت ۲
T = معلم ۱ (تعلیم توسط معلم ۱)	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید . در این مجموعه آموزشی شما فرصت خواهید داشت تا کتاب مقدس را بشناسید . در حالیکه به این برنامه گوش می کنید در دفترچه خود یادداشت کنید و یا آنرا ضبط کنید . هفته گذشته ما یاد گرفتیم چگونه کتاب اعداد بوجود آمد و با مشخصاتش بعنوان يك مکاشفه الهی ، تقسیم بندی آن به سه قسمت اصلی و تعلیم آن درباره خدمت و شکایت کردن آشنا شدیم . امروز ما در باره پیغام اصلی کتاب داوران ، مسیح موعود یا عیسی مسیح در این کتاب خواهیم آموخت .

#### نکته ۴ . پیغام اصلی کتاب اعداد .

عهد جدید نشان میدهد که اصول مشخصی از عهد عتیق در تعلیم و مراسم عهد جدید ادامه پیدا میکند .

اول . کتاب اعداد تعلیم می دهد که قوم خدا برای خدمت کردن نجات یافته اند . پیدایش تعلیم می دهد که انسان تباه شده است . خروج تعلیم می دهد که انسان فدیہ گشته است . لایوان تعلیم می دهد که انسان مسئول است تا رابطه اش را با خدا تثبیت کند . اعداد تعلیم می دهد که انسان مسئولیت دارد که خدا را خدمت کنند ، قوم خدا نجات یافته اند تا خدا را خدمت نمایند . آنها تنها بعد از نجات یافتن از بندگی گناهان و بت هایشان و تثبیت يك رابطه پر از محبت و همراه با قدوسیت نسبت به خدا ، شایستگی خدمت کردن به خدا را می یابند .

در کتاب اعداد فصلهای ۳ و ۴ ، این خداست که کارهای مشخص کاهنان و لایوان را تعیین می کند . در عهد جدید ، مسیحیان برای خدمت کردن نجات یافته اند ( یوحنا ۱۲ : ۲۶ ) و خدا هم در کلیسا ، يك محل و کار مخصوص برای هر يك از مسیحیان تعیین می کند . در اول قرن نینان ۳ : ۶ کتاب مقدس تعلیم می دهد ، " خداوند به هر فرد کاری سپرده است . "

#### دوم . کتاب اعداد تعلیم می دهد که قوم خدا او را با نظم و ترتیب خدمت می کند .

در کتاب اعداد فصل ۱ ، خدا فرمان داد تا قوم اسرائیل سرشماری شود . سرشماری ، اجرای فرمان خدا در خروج ۳۰ : ۱۱ - ۱۶ بود با در نظر گرفتن پرداخت مالیات جهت هزینه های گذران قربانی ها در حضور خداوند . دلیل دیگر برای سرشماری نشان دادن تحقق وعده خدا به ابراهیم بود . خدا به او وعده داده بود که او قوم عظیمی می گردد . در کتاب اعداد فصل ۲ خدا به اسرائیل فرمان می داد تا اردو بزنند و به شکلی منظم به محل دیگری سفر کنند . توجه کنید که خیمه اجتماع همیشه در مرکز قوم بود . از این موضوع یاد می گیریم که تنها وقتی خدا در مرکز زندگی يك مسیحی باشد زندگی او منظم می گردد . در عهد جدید در اول قرن نینان ۱۴ : ۳۳ و ۴۰ حقیقت یکسانی تعلیم داده می شود . " خدا هرج و مرج را دوست ندارد بلکه هماهنگی و نظم و ترتیب را . " هر کاری بجای خود نیکوست و باید با نظم و ترتیب انجام شود . "

سوم . کتاب اعداد تعلیم می دهد که خدا هر بار فقط قدم بعدی را به قوم خود نشان می دهد . قوم اسرائیل نمی دانست چه وقت به کجا باید برود . در اعداد ۹ : ۱۵ - ۲۳ ما می خوانیم که جلال خدا در يك ابر بر بالای خیمه اجتماع قرار گرفت . در هنگام روز آن به شکل يك ستون ابر بنظر می رسید و در شب مثل يك ستون آتش بود . این نشانه دیدنی ، حاکی از وجود و حضور خدا در میان قومش بود . هر گاه که ابر از فراز خیمه اجتماع بلند می شد ، قوم اسرائیل حرکت می کرد . و هر گاه دوباره ابر بر خیمه اجتماع قرار می گرفت قوم اسرائیل اردو می زدند . گاهی اوقات ابر برای يك یا دو شب در يك محل می ماند . و گاهی برای يك ماه یا يك سال تا وقتی که ابر بالای خیمه اجتماع بود قوم خدا از ترتیبات خدا اطاعت می کردند و همانجا می ماندند . درس مهم در اینجا این است که قوم خدا باید قدم بعدی را همیشه به فرمان خدا بردارند .

چهارم . کتاب اعداد تعلیم میدهد که خدا تمام احتیاجات قومش را بر حسب دولتشان تدارک می بیند . در طی سفرشان در بیابان فقط تعداد مردان ۲۰ سال به بالا در قوم اسرائیل ۶۰۰ هزار نفر بود . بنابراین تعداد کامل قوم اسرائیل باید بیش از دو میلیون نفر بوده باشد . برای ۴۰ سال خدا می توانست این تعداد بیشمار انسانها و حیواناتشان را در صحرا با تمام نیازهای اولیه شان مثل غذا ، آب و سرپناه ، رهبران و محافظت در مقابل دشمنان ، بر آورده سازد .

بارها ما می خوانیم که چگونه خدا به قوم اسرائیل بشکلی معجزه آسا آب و غذا داد . یکبار او آب تلخ را به آب قابل نوشیدن تبدیل کرد ( خروج ۱۵ ) . او هر هفته و برای شش روز به آنها از آسمان من می داد که مانند نان بود ( خروج ۱۶ ) . یکبار او به آنها بوسیله وزانند بادی پرندگانی را فرستاد تا بعنوان گوشت بخورند ( ۱۱ ) . یکبار او به آنها از صخره آب داد ( ۲۰ ) . خدا به آنها در هنگام احتیاج رهبران خوبی بخشید . در اعداد ۱۱ : ۱۶ - ۱۷ او به آنها ۷۰ رهبر داد و از روح خود به آنها بخشید تا به موسی در بلند کردن بار مسئولیت قوم خدا کمک کند . در اعداد ۱۴ : ۶ - ۹ او به آنها دو مرد شجاع داد که از مشکلات برای فتح سرزمین کنعان نمی ترسیدند . این مردان به وعده های خدا ، حضور و محافظت او ایمان داشتند . و در اعداد ۲۷ : ۱۵ - ۲۳ او به یوشع اقتدار بخشید تا بعنوان رهبر قوم جانشین موسی شود تا قوم را به سرزمین موعود هدایت نماید . خدا در مقابل مصریان با ۱۰ بلا و در مقابل عمالیقان بوسیله دعای موسی ( خروج ۱۷ ) ، بر پادشاه کنعانی عراد ، و پادشاهان سیحون و باشان بوسیله جنگ ( ۲۱ ) بر موابیان از طریق ترس و سرگشتگی ( ۲۲ - ۲۴ ) و بالاخره بر مدیان بوسیله ویرانی کامل ( ۳۱ ) غلبه یافت . درس کتاب اعداد مثل کتاب فیلیپیان در عهد جدید می باشد . ۴ : ۱۹ ، " خدا نیز به سبب جانبازی عیسی مسیح ، تمام احتیاجات شما را با ثروت شکوهمند خود رفع خواهد نمود . "

**پنجم . کتاب اعداد تعلیم می دهد که کتاب عهد عتیق چون يك نمونه و هشدارى برای مسیحیان قرار داده شده است .** در اعداد ۲۰ می خوانیم که قوم اسرائیل قلبهای خود را بر علیه خدا سخت ساخته بطوریکه حتی رهبرانشان گمراه شد . مزمو ۹۵ : ۷ - ۱۱ هشدار می دهد که خدا بی ایمانی را مجازات می کند . خدا می گوید ، ” امروز صدای خداوند را بشنوید که می فرماید : سختدل و نامطیع نباشید چنانکه اجداد شما در صحرای مریبا و مسانا مطیع شدند . در آنجا اجداد شما هر چند ، بارها معجزات و اعمال شگفت انگیز مرا دیدند اما باز به من شك کردند . مدت چهل سال ، از آنها محزون و بیزار بودم زیرا دل و فکرشان از من دور بود و نمی خواستند دستوراتم را اطاعت نمایند . تا اینکه خشمگین شده قسم خوردم که نگذارم وارد سرزمینی شوند که وعده داده بودم در آن آرام و قرار بگیرند ” . در عهد جدید در اول قرنهای ۱۰ : ۵ - ۱۱ ما می خوانیم ، ” اما با وجود تمام اینها ، اکثر ایشان مطیع احکام خدا نبودند و خدا نیز آنان را در بیابان از میان برد . این درس عبرتی است برای ما ، تا مانند آنان در آرزوی اعمال پلید و شرورانه نباشیم ، و همچون آنان به سوی پرستش بنها نرویم . کتاب آسمانی می فرماید که بنی اسرائیل به هنگام پرستش گوساله طلایی برای خوردن و نوشیدن نشستند و برای رقصیدن بپا خاستند . همچنین مانند بعضی از آنان نباشیم که با زنان دیگر زنا کردند و در همان روز ۲۳ هزار نفر از ایشان هلاک شدند . صبر و تحمل خداوند را نیز امتحان نکنیم ، زیرا عده ای از آنان چنین کردند و از نیش مارهای سمی مردند . همچنین مانند برخی از ایشان ، از خدا و کارهای او گله و شکایت نکنیم زیرا همین کار بود که خدا فرشته خود را فرستاد تا نابودشان کند . تمام اتفاقات و بلاهایی که بر سر قوم ما آمد برای این نوشته شد که ما بخوانیم و آن اشتباهات را تکرار نکنیم تا در این روزهای آخر که دنیا به پایان خود نزدیک می شود درس عبرتی بگیریم . “

**ششم . کتاب اعداد تعلیم می دهد که قوم خدا باید از بی ایمانی بر حذر باشند و بجای ترسیدن از انسان به خدا توکل کنند .** بارها و بارها قوم اسرائیل بخاطر بی ایمانی اش شکست خورد . در اعداد ۱۴ می خوانیم که ۱۰ نفر از ۱۲ مامور بررسی سرزمین کنعان با يك خبر بد بازگشتند . آنها گفتند که این سرزمین را نمی توانیم تصرف کنیم . زیرا شهرها بزرگ و حصار دار است و مردم آن قوی و بعضی از آنها چون غول هستند . آنها گفتند که کنعانیان مردان آنها را خواهند کشت . همسر و فرزندانمان را اسیر خواهند ساخت و اموالشان را تاراج خواهند کرد . آنها نصیحت کردند که قوم اسرائیل رهبر جدیدی انتخاب کند و به بندگی مصر بازگردد . بهر حال دوفنر از این ۱۲ نفر یعنی یوشع و کالیب مردم را تشویق کردند که بروند و سرزمین را فتح کنند .

خدا در مقابل مسیحیان ، سرزمین امکانات و موفقیت ها را قرار داده است . ولی ناگهان غول ها آشکار می شوند . ممکن است این غول مخالفت از بیرون و یا غول ترس درونی باشد . پس ایمان ما تحلیل می رود و خدا را فراموش می کنیم . ما مشکلات خود را با توان خود مقایسه می کنیم . بجای اینکه آنها را به بازوی نیرومند خدا بسپاریم . آنگاه ما به صحرای توکل ناقص و پیروزی ناقص یا ناامیدی کامل و شکست کامل باز می گردیم . بعد از اینکه قوم اسرائیل از توکل کردن به خدا در این مورد که او می تواند آنها را پیروز کند خودداری کرد قوم اسرائیل برای ۳۸ سال بدور خود می چرخید . بهمین شکل وقتی ما به خدای کتاب مقدس شك می کنیم ، دچار احساس نا امیدی و شکست می شویم . و بی هدف به دور خود می چرخیم و هیچ موفقیتی بدست نمی آوریم .

درس مهم این است که حتی در شرایطی که اکثریت مردم این تصمیم منطقی را می گیرند که با غول ها و قلعه های بلند زندگی خود روبرو شوند باز هم انجام چیزی که خدا گفته ، بهترین کار است . قوم اسرائیل با چشمان آن ده قاصد ، به شرایط نگاه کرد و با ترس ، بی ایمانی و ناطاعتی عکس العمل نشان داد . اما یوشع و کالیب به همان شرایط از زاویه دید خدا نگاه کردند و با ایمان و اطاعت عکس العمل نشان دادند . کالیب گفت ، ” اگر خداوند از ما راضی است ما را به سلامت به این سرزمین حاصلخیز خواهد رساند و آن را به ما خواهد داد پس بضد خداوند قیام نکنید و از مردم آن سرزمین نترسید چون شکست دادن آنها برای ما مثل آب خوردن است خداوند با ما است ولی آنان پشتیبانی ندارند از آنها نترسید . “ اما می توانیم مثل آن ده فرستاده دیگر مشکلات خود را بین خود و خدای خود قرار دهیم و بگوییم ، ” ما قادر هستیم “

### **هفتم . کتاب اعداد تعلیم می دهد که هیچ چیز نمی تواند مانع خدا در انجام هدف کلی اش بشود .**

وقتی قوم اسرائیل در کوه سینا بود خداوند به آنها گفت : زمان ماندن در کوه بسر رسیده و باید برای تصرف سرزمینی که خدا به ابراهیم وعده داده بود بروند (تثنیه ۱ : ۶ - ۸) ، برای قوم اسرائیل ضروری بود که از صحرا عبور کنند اما لازم نبود که ۴۰ سال را در آنجا بگذرانند . نقشه خدا این بود که آنها مستقیماً وارد سرزمین موعود شوند . اما قوم تصمیم گرفتند این کار را نکنند . نتیجه این امر این بود که آنها برای ۳۸ سال در بیابان سرگردان شدند .

نتیجه دیگر این بود که حتی يك نفر از افراد بالغی که از رفتن به کنعان خودداری کردند . اجازه ورود به سرزمین موعود را پیدا نکرد . همه آنها نقشه عالی خدا برای زندگی شان را از دست دادند . اما بر طبق کتاب اعداد ۱۴ : ۱۸ - ۱۹ ، اگر چه خدا گناهکار را مجازات می کند ، او در محبت سخاوتمند است و گناه و عصیان را می بخشد . خدا نقشه دیگری را در مقابل قوم اسرائیل قرار می دهد . او تصمیم می گیرد فرزندان والدینی که سرزمین موعود را رد کردند وارد آن سرزمین سازد . درسی که ما یاد می گیریم این است که خدا نقشه ثانوی هم دارد و هیچ چیز نمی تواند مانع اجرای هدف اصلی او شود . نقشه ثانوی خدا راهی متفاوت برای انجام نقشه اولیه او است . هرگاه ما از گناه و ناطاعتی خود توبه می کنیم خدا ما را می بخشد و نقشه ثانوی ای را به ما می دهد . خدا می تواند ما را هفتاد مرتبه هفت بار ببخشد . خدا می تواند به ما نقشه دوم ، سوم و یا باز هم بیشتر از این را بدهد . اما فقط بیاد بیاورید با قبول نکردن اولین و بهترین نقشه خدا چه برکات زیادی را از دست خواهیم داد . و متحمل چه بارهای زیادی خواهیم شد . به سالهای از دست رفته فکر کنید . بر طبق تثنیه ۱ : ۲ و ۲ : ۱۴ ، آنچه که می توانست در ۱۱ روز انجام شود ۳۸ سال طول کشید . نقشه دوم خدا برای قوم اسرائیل بهای بسیار سنگینی را بهمراه داشت . ما مسیحیان باید عمیقاً معتقد باشیم که خدا آنچه را در نظر داشته به انجام خواهد رساند و هیچ چیز نمی تواند مانع انجام آن گردد (اشعیا ۱۴ ، ۲۴ ، ۲۷) .

**اول. عصای هارون که شکوفه می کند نمونه یا تمثیلی است از عیسی مسیح بعنوان تنها انتخاب خدا برای نجات دهنده جهان.** در میان لایویان، خدا فقط نسل هارون را برای کاهن بودن انتخاب کرد. تنها کاهنان اجازه داشتند تا قربانی و بخور بسوزانند. در اعداد ۱۶ و ۱۷ می خوانیم که چطور قورح و حدود ۲۵۰ نفر دیگر از لایویان بر علیه رهبری موسی و هارون شورش کردند. آنها به موسی و هارون گفتند که همراه اسرائیلی ها مقدس هستند و می توانند کاهن شوند. موسی به آنها اجازه داد تا امتحان کنند و ببینند خدا چه کسی را در قوم اسرائیل بعنوان کاهن انتخاب کرده است. او آنها را دعوت کرد تا در مقابل خیمه اجتماع با کاهنان حقیقی بخور بسوزانند. تا خودشان ببینند که خدا چه کسی را بعنوان کاهن خود انتخاب کرده است. بعد از اینکه آنها بخور سوزاندند، خدا به قوم خود هشدار داد تا از خیمه های افراد عصیانگر یعنی قورح، داتان و ابیرام دور بشوند. زمین باز شد و خانواده های عصیانگران و اموالشان را بلعید. سپس خدا آتشی از آسمان فرستاد تا کاملاً ۲۵۰ شورشی دیگر را نابود کند.

خداوند اجازه داد تا قبیله های اسرائیل امتحان دیگری هم بکنند. او به رهبران اسرائیل فرمان داد تا هر کدام عصایی بردارند و نام قبیله خود را بر روی عصا بنویسند. موسی هر دوازده عصا را در خیمه اجتماع و در مقابل تابوت عهد قرار داد که نشانه حضور خدا بود. خداوند گفت که عصای مردی که او انتخاب کرده تا کاهن اعظم باشد شکوفه خواهد داد. به این وسیله خدا می خواست به همه نشان دهد که چه کسی را بعنوان کاهن اعظم انتخاب کرده تا به بدگویی در مورد مرد برگزیده او پایان دهند، روز بعد موسی تمام عصاها را برای قوم آورد تا ببینند. عصای هارون نه تنها شکوفه زده بود بلکه حتی بادام هم داده بود. عصای هارون بعنوان علامتی در مقابل افراد سرکش به خیمه اجتماع برگردانده شد تا نشان دهد این خداست که کاهن اعظم را انتخاب می کند. (۱۷: ۱۰). بهمین شکل در عهد جدید در عبرانیان ۵: ۴ - ۵، ما در مورد کاهن اعظم می خوانیم که هیچکس نمی تواند به میل خود کاهن اعظم شود، کاهن را باید خدا برگزیند، همانگونه که هارون را نیز خدا برگزید و معین فرمود. عبرانیان ۷: ۲۴ - ۲۸ می گوید که عیسی مسیح از دو راه ثابت کرد که چرا او تنها نجات دهنده خدا است.

**یک -** تمام کاهنان و رهبران مذهبی در جهان مردند و هرگز قیام نکردند. آنها هنوز در قبرهای خود هستند. اما عیسی مسیح از بین مردگان قیام کرد و امروز هم زنده است. "اما عیسی از آنجا تا ابد زنده است برای همیشه کاهن می باشد و نیازی به جانشین ندارد. بنابراین این قادر است همه آنانی را که بوسیله او به حضور خدا می آیند بطور کامل نجات بخشد و چون همیشه زنده است پیوسته در حضور خدا برای ما وساطت می کند و این حقیقت را یاد آور می گردد که تاوان گناهان ما را به بهای خون خود پرداخته است." بنابراین این در حالیکه تمام نویسندگان و انبیای مذاهب جهان مردند، تنها عیسی مسیح از بین مردگان قیام کرد و بلند کرده شد تا کاهن اعظم و نجات دهنده ما باشد.

**دو -** هیچکدام از کاهنان و رهبران مذهبی دیگر، کامل و واجد شرایط برای نجات انسانهای دیگر نبودند. تنها عیسی مسیح، بی گناه و صد در صد کامل است. تنها عیسی مسیح، شایستگی دارد نجات دهنده تمام جهان باشد. عبرانیان می گویند، این درست همان کاهن اعظمی است که ما نیاز داریم زیرا او پاک و بی عیب و بی گناه و از گناهکاران جدا می باشد و در آسمان از مقامی پر افتخار برخوردار است. او هرگز احتیاج ندارد مانند سایر کاهنان هر روز ابتدا برای گناهان خود و بعد برای گناهان قوم، قربانی کند، زیرا وقتی بر روی صلیب خود را در راه ما قربانی کرد برای همیشه به تمام قربانی ها پایان داد.

**دوم. صخره ای که موسی بر آن زد نمونه یا تصویری است از مسیح که یکبار در تاریخ مرد تا منافی روحانی برای تمام قومش کسب کند هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید.** در کتاب اعداد فصل ۲۰ می خوانیم که چطور اسرائیل چون در بیابان آبی برای نوشیدن نداشتند با موسی نزاع می کند. اسرائیلیان خداوند را با گفتن این جمله امتحان کردند که، "آیا خداوند در میان ما هست یا نه؟ (خروج ۱۷: ۷). پس خدا به موسی فرمان داد که یکبار به صخره ضربه بزند و آب از آن بیرون خواهد ریخت (خروج ۱۷: ۶). به دلیل خشم نسبت به اسرائیلیان موسی دوبار به صخره زد و آب از آن جوشید (اعداد ۲۰: ۱۱). خدا موسی را به خاطر ناطاعتی اش مجازات نمود و گفت، "چون شما دستور مرا با اعتماد کامل نپذیرفتید و در نظر قوم اسرائیل حرمت قدوسیت مرا نگه نداشتید، شما آنها را به سرزمینی که به ایشان وعده داده ام رهبری نخواهید کرد." (اعداد ۲۰: ۱۲). این قسمت دارای چند درس است.

**یک -** اول قرن نهم ۱۰: ۴ می گوید، "آنانی آبی را می نوشیدند که مسیح عطا می کرد زیرا مسیح در واقع همان صخره ای بود که خدا در بیابان از آن برای قوم اسرائیل آب بیرون آورد." عیسی مسیح به صورت استعاری صخره روحانی نامیده می شود و او هرگز قوم خدا را ترک نمی کند بلکه هر جا بروند همراه ایشان است. عیسی از قبل در میان قوم عهد عتیق عمل می کرد.

**دو -** اول قرن نهم ۱۰: ۲ - ۴ می گوید، "در واقع می توانیم بگوئیم که ایشان در دریا و ابر، غسل تعمید گرفتند و با این کار نشان دادند که موسی را پیروی خواهند کرد. در بیابان، خدا معجزه وار برای ایشان نان تدارک می دید. آنان آبی را می نوشیدند که مسیح عطا می کرد زیرا مسیح در واقع همان صخره ای بود که خدا در بیابان از آن برای قوم اسرائیل آب بیرون آورد." قوم خدا در عهد عتیق همان مزایایی را یافتند که قوم خدا در عهد جدید. آنها تعمید یافتند و غذای روحانی و آب روحانی از خدا دریافت نمودند. مزایای عهد عتیق دارای ویژگی روحانی بود چون از جانب مسیح می آمد. در عهد جدید خوردن نان روحانی سمبلی است از آمدن عیسی مسیح و پذیرفتن او در قلب و زندگیتان است (یوحنا ۶: ۳۱ - ۳۷) و نوشیدن آب زنده هم سمبلی است از دریافت روح القدس که عیسی مسیح آن را به کسی می دهد که به او ایمان آورد (یوحنا ۴: ۱۰ - ۱۴ و ۷: ۳۷ - ۳۹).

**سه -** عبرانیان ۱۰: ۱۰ می گوید، "مسیح، یک بار جان خود را در راه ما فدا کرد تا ما را ببخشد و پاک نماید." عیسی مسیح، صخره روحانی ما فقط یکبار به خاطر گناهان ما زده شد. لازم نیست که او دوباره ضربه بخورد. وقتی عیسی مسیح بر روی صلیب مرد گفت که هر آنچه برای نجات انسان ضروری بود بر روی صلیب انجام شد. هیچکس نمی تواند چیزی بیشتر به کار کامل مسیح اضافه کند.

**سوم . مار برنزی که بر روی تیر آویزان شد نمونه یا تصویری است از عیسی مسیح که بر روی صلیب آویزان شد تا هر کس به مسیح ایمان آورد نمیرد بلکه حیات جاودانی بیابد .** در اعداد ۲۱ : ۴ - ۹ می خوانیم که اسرائیلیان بر علیه خدا و موسی سخن می گویند . آنها از سختی هایشان بخصوص در ارتباط با غذایی که در بیابان می خوردند شکایت می کنند . خداوند شکایات آنها را شنید و حالت قلبی آنها را دید و با فرستادن مارهای سمی در بین مردم آنها را مجازات کرد . بعد از اینکه موسی برای آنها شفاعت کرد خدا به موسی دستور داد تا ماربرنزی را ساخته آن را بر تیری آویزان کند تا هر کس بتواند آن را ببیند . خدا گفت که اگر کسی که مار او را نیش زده به آن نگاه کند نخواهد مرد بلکه زنده خواهد ماند . اما آنها از ایمان آوردن به کلام خدا خود داری کرده و به مار برنزی نگاه نکردند پس قطعاً مردند .

در عهد جدید ، در یوحنا ۳ : ۱۴ - ۱۶ عیسی می گوید ، ” همانگونه که موسی در بیابان مجسمه مار مفرغی را بر چوبی آویزان کرد تا مردم به آن نگاه کنند و از مرگ نجات یابند من نیز باید بر صلیب آویخته شوم تا مردم به من ایمان آورده از گناه نجات پیدا کنند و زندگی جاوید بیابند . ” زیرا خدا به قدری مردم جهان را دوست دارد که یگانه فرزند خود را فرستاده است تا هر که به او ایمان آورد هلاک نشود بلکه زندگی جاوید بیابد . “

### **تکلیف برای هفته آینده**

- اول . طی هفته آینده ، تنبیه ۱۸ - ۳۴ را بخوانید . هفته آینده کتاب تنبیه را معرفی خواهیم کرد .
- دوم . کتابهای دستور عمل ” بروید و کلیسای مسیح را بنا کنید ” را ملاحظه کنید و به آدرس اینترنتی [www.dota.net](http://www.dota.net) مراجعه کنید .
- سوم . هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه ” دوره شاگردسازی از رادیو ” گوش کنید .